

# ۲۵۸- ای یاران این مسجون

حضرت عبدالبهاء

اصلی فارسی



## ۲۵۸- ای یاران این مسجون

ای یاران این مسجون، شب و روز با رخی افروخته و جان و دلی سوخته بیاد یاران پرداخته و بذکر دوستان اوقات میگذرد. از فضل یزدان امید چنانست که دوستان نیز باین نفعه مشکبار در اهتزاز آیند و در ظلّ شجره مبارک که همدم و همراز این مرکز عجز و نیاز شوند دمی راحت نجویند و آنی تأتی نکنند شب بطلب آیند و روز چهره برافروزند صبح را وسیله فلاح کنند و شام را سبب سطوع انوار نمایند لسان بتبلیغ گشایند و قوت هدایت کبری بنمایند زبان بثناء جمال اهی بیاریند و در سایه شجره حیات بیاسایند گوی سبقت و پیشی از میدان فدا بریابند و در هر دم بوجد و طرب آیند. ای یاران عزیز عبدالبهاء و دوستان محبوب زندانی عکا، چه موهبتی اعظم از این که انسان آغاز حیات عجز و نیاز نماید و بعشق و محبت دلبر آفاق همراز گردد و بنگمه و آواز پردازد و باهنگی خوش روح بخشد و لسانی فصیح بگشاید و سبب هدایت خلق گردد و بکمال همت بعبودیت آستان مقدس پردازد این آغاز زندگانی و در انجام جان فدا نماید. اینست عنایت کبری که بدایت فاتحه اللطاف گردد و نهایت خاتمه الاسعاف و ما بین بدیع الاوصاف هذا من فضل ربّی الرحمن علی کلّ انسان ذاق حلاوة الحبّ من کأس اللطاف.



ORIGINAL



AUDIO